

آیا حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک شرکت داشت؟

دکتر محمدحسن پدram

چکیده

جنگ پارک اتابک و یا به عبارت بهتر فاجعه شوم پارک اتابک تلخ‌ترین و دردناک‌ترین حادثه تاریخ انقلاب مشروطیت ایران محسوب می‌شود. تا به حال در رابطه با حضور و یا عدم حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک دیدگاه‌های متفاوتی از طرف مورخان و پژوهشگران تاریخ مشروطه ارائه شده است. حاج‌اسماعیل امیرخیزی در صدر مورخانی قرار دارد که به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک مهر تأیید زده است. اما بعضی روایات حاکی از آن است که حیدرخان عمواغلی بعد از ترور سیدعبدالله بهبهانی دستگیر و بعد از خاتمه جنگ پارک اتابک از زندان آزاد شده است. با توجه به نقد و بررسی‌هایی که در رابطه با مطالب امیرخیزی به عمل آمد و نتیجه نهایی این بود که به احتمال زیاد راویان و گزارشگران جنگ پارک اتابک شاید به جای دسته حیدرخان (عمدی یا غیرعمدی) نام حیدرخان عمواغلی را به امیرخیزی بازگو کرده‌اند.

ایمیل:

dr.m.hassan.pedram@gamil.com

وابستگی:

محقق تاریخ مشروطیت آذربایجان

کلمات کلیدی: حیدرخان عمواغلی، پارک اتابک، ستارخان، ترور

استناد (آپا): پدram، م.ح. آیا حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک شرکت داشت؟! ارومیه: فصلنامه تخصصی "مطالعات تاریخ آذربایجان و ترک" - جلد ۰۱، شماره ۰۳، بهار ۱۴۰۳. ۸۶۹۰-۳۰۴۱ شاپا

Hayder Han Amoğlu Atabek Parkı savaşına katıldı mı?

**Dr. Muhammed Hasan
Pedram**

E-posta:

dr.m.hassan.pedram@gmail.com

Üyelik:

Azerbaycan Meşrutiyet tarihi
araştırmacısı

Özet

Atabek Parkı savaşı, diğer bir deyişle Atabek Parkı felaketi, İran'ın Meşrutiyet Devrimi tarihindeki en acı olay olarak kabul ediliyor. Şimdiye kadar tarihçiler ve Meşrutiyet tarihi araştırmacıları, Atabek Parkı Savaşı'nda Hayder Han Amoğlu'nun varlığı veya yokluğu konusunda farklı görüşler ortaya koydular. Hayder Han Amoğlu'nun Atabek Parkı savaşında varlığını doğrulayan tarihçilerin başında Hac İsmail Amirkhizi yer alıyor. Ancak bazı rivayetlerde Hayder Han Amoğlu'nun Seyyed Abdullah Behbahani suikastının ardından tutuklandığı ve Atabek Parkı Savaşı'nın bitiminden sonra hapisneden serbest bırakıldığı belirtiliyor. Amirkheizi'nin materyalleriyle ilgili olarak yapılan incelemelere göre nihai sonuç, Atabek Parkı savaşının anlatıcıları ve muhabirlerinin Amirkheizi'ye Haider Khan'ın kategorisi yerine Hayder Khan Amoğlu'nun adını (kasıtlı olarak) söylemiş olabileceği yönündeydi.

Anahtar kelimeler: Hayder han Amoğlu, Atabek Parkı, Sattar han

CITATION (APA): Pedram, M.H. Hayder Han Amoğlu Atabek Parkı savaşına katıldı mı? Urmiye: Üç Aylık "Azerbaycan ve Türkiye Tarihi Üzerine Araştırmalar" Uzmanlık Dergi, yıl 01, sayı 03, Bahar 2024, ISSN: 3041-8690.

**Dr. Məhəmməd Həsən
Pedram**

E-poçt:

dr.m.hassan.pedram@gamil.com

Mənsubiyyət:

Azərbaycan məşrutə tarixçisi

Heydər Xan Əmoğlu Atabək parkı müharibəsində iştirak edib!?

Xülasə

Atabək parkının müharibəsi, başqa sözlə, Atabək parkının faciəvi fəlakəti İranın məşrutə inqilabı tarixində ən acı və ağrılı hadisə hesab olunur. İndiyə qədər tarixçilər və konstitusiya tarixi tədqiqatçıları Heydər Xan Əmoğlunun Atabək parkı müharibəsində olub-olmaması ilə bağlı müxtəlif fikirlər irəli sürmüşlər. Atabək parkı döyüşündə Heydər Xan Əmoğlunun olmasını təsdiq edən tarixçinin başında Hacı İsmayıl Əmirxizi dayanır. Amma bəzi rəvayətlərdə Heydər Xan Əmoğlunun Seyid Abdullah Behbəhaninin öldürülməsindən sonra həbs edildiyi və Atabək parkı müharibəsi başa çatdıqdan sonra həbsdən azad edildiyi göstərilir. Əmirxeyzinin materialı ilə bağlı edilən rəylərə görə və yekun nəticə belə oldu ki, çox güman ki, Atabək parkının rəvayətçiləri və reportyorları Əmirxeyziyə Heydər Xan dəstəsi əvəzinə Heydər Xan Əmoğlunun adını (qəsdən və ya istəmədən) demişlər.

Açar sözlər: Heydər Xan Əmoğlu, Atabək parkı, Səttar Xan

CITATION (APA): Pedram, M.H. Heydər Xan Əmoğlu Atabək parkı müharibəsində iştirak edib!? Urmiya: "Azərbaycan və Türk tarixi araşdırmalar" İxtisaslaşdırılmış Jurnal, il 01, nömrə 03, Yaz 2024, ISSN: 3041-8690.

Did Hayder Khan Amoğlu participate in the war of Atabek Park?!

Dr. Mohammad Hassan

Pedram

Email:

dr.m.hassan.pedram@gamil.com

Affiliation:

Azerbaijan history researcher

Abstract

The war of Atabek Park, or in other words, the tragic disaster of Atabek Park, is considered the most bitter and painful event in the history of Iran's constitutional revolution. Until now, historians and researchers of constitutional history have presented different views regarding the presence or absence of Hayder Khan Amoğlu in the Atabek Park War. Haj Ismail Amirkhizi is at the head of the historian who confirmed the presence of Hayder Khan Amoğlu in the battle of Atabek Mehr Park. But some narrations indicate that Hayder Khan Amoğlu was arrested after the assassination of Seyyed Abdullah Behbahani and was released from prison after the end of the Atabek Park War. According to the reviews that were made in relation to Amirkheizi's material and the final result was that it is most likely that the narrators and reporters of the war of Atabek Park may have told Amirkheizi the name of Hayder Khan Amoğlu instead of Hayder Khan's category (intentionally or unintentionally).

Key words: Hayder Khan Amoğlu, Atabek Park, Sattar Khan

CITATION (APA): Pedram, M.H. Did Hayder Khan Amoğlu participate in the war of Atabek Park!? Urmia: "Studies on Azerbaijan and Turk's history" Specialized Journal, year 01, number 03, Spring 2024, ISSN: 3041-8690.

جنگ پارک اتابک و یا به عبارت بهتر فاجعه شوم پارک اتابک تلخ‌ترین و دردناک‌ترین حادثه تاریخ انقلاب مشروطیت ایران محسوب می‌شود، «زیرا پس از آن حادثه دلخراش مسیر آن انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی منحرف و در کانال خواسته‌های استعمارگران و ایادی داخلی آنها افتاد»^۱.

ستارخان سردار ملی و حیدرخان عمواغلی از شخصیت‌های بزرگ تأثیرگذار در انقلاب مشروطیت ایران و هر دو از فرزندان دلیر آذربایجان و از اعضای برجسته مرکز غیبی تبریز بودند.^۲

تا به حال در رابطه با حضور و یا عدم حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک دیدگاه‌های متفاوتی از طرف مورخان و پژوهشگران تاریخ مشروطه ارائه شده است.

حاج اسماعیل امیرخیزی در صدر مورخانی قرار دارد که به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک مهر تأیید زده است. ایشان چون در حادثه پارک شخصاً حضور داشت بنابراین به عنوان راوی و منبع اصلی آن جنگ شناخته شده، به طوری که مورخ شهر مشروطه احمد کسروی نیز در این ماجرا از یادداشت‌های او استفاده کرده است.

اما روایت دیگری که منشأ آن به یادداشت‌های «میرزامحمودخان پهلوی»^۳ یا همان محمود محمود بعدی می‌رسد، حاکی از آن است که حیدرخان عمواغلی بعد از ترور سیدعبدالله بهبهانی دستگیر و بعد از خاتمه جنگ پارک اتابک از زندان آزاد شده است. بدین ترتیب، یادداشت‌های محمود محمود مطالب امیرخیزی و کسروی و سایر پژوهشگرانی که با استناد به آن دو بزرگوار به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک اشاره کرده‌اند مورد شک و تردید قرار می‌دهد. زیر مفهوم نوشته محمود محمود و مطالب مجله یادگار در این خصوص بیانگر آن است که حیدرخان در ایام جنگ پارک اتابک زندانی بوده و نتیجتاً در جنگ علیه ستارخان شرکت نداشته است. بنابراین: «مورخ نباید هیچ عقیده‌ای را بدون نگاه انتقادی بپذیرد، چرا که یکی از خصایص محقق شکاکیت است و به قول هگل شک پایه علم و آگاهی است»^۴. مرحوم استاد ناهیدی‌آذر می‌گفت: نمی‌توان قبول کرد در مورد شخصیتی چون حیدرخان عمواغلی که با ستارخان رابطه عمیق دوستانه داشت و هر دو در راه یک هدف مشترک مبارزه می‌کردند، در جنگ پارک اتابک با افرادی نظیر پسر سردار اسعد و پیرم‌خان همسو شده، در مقابل ستارخان صف‌آرایی کند و

۱ - تحقیقی پیرامون عاملین فاجعه شوم پارک اتابک و تراژدی ستارخان - دکتر محمدحسن پدram - ص ۱۲. (به نقل از مرحوم استاد سرداری‌نیا)

۲ - بانیان و حامیان مرکزی غیبی تبریز - دکتر محمدحسن پدram - ص ۸۴، ۷۴ و ۸۷.

۳ - جهت اطلاع بیشتر از سرگذشت محمود محمود به کتاب‌های: نام‌آوران آذربایجان در سده ۴ - تألیف غلامرضا طباطبایی‌مجد و تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه) - تألیف ملک‌الشعراء بهار، مراجعه فرمایید. بعد از روی کار آمدن رضاشاه، محمود پهلوی به دستور شاه تازه به دوران رسیده مجبور شد که نام‌خانوادگی خود را عوض کند و محمود پهلوی در اعتراض به تغییر نام اجباری خود، نام‌خانوادگی دیگری به جز نام خود انتخاب نکرد.

ملک‌الشعراء بهار در صفحه ۶۹ کتابش می‌نویسد: رضاخان میرپنجه پسر «داداش‌بیک» افسر سوادکوهی از ایل پالانی بود و از قضا بین «پالانی» و «پهلوی» قرابت لفظی عجیب موجود است. پهلوی قبلاً اسم خانواده میرزامحمودخان که از فضلا و آزادیخواهان معروف است بود و نیز عنوان تلگرافی بانک شاهنشاهی «پهلوی» بود.

۴ - تجار و دهقانان ایران در عصر مشروطه‌خواهی - عبدالحسین ناهیدی‌آذر - ص ۲۱۶.

علیه ستارخان بجنگد. به نظر نگارنده نیز بعید به نظر می‌رسد که در حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک پیرم خان ارمنی سیلی به صورت باقرخان سالار ملی بزند و ارامنه او را کتک وافری بزنند و حیدرخان تماشا کند!»^۵

رحیم نامور به حق می‌نویسد: «در روزنامه ایران نو^۶ ارگان مرکزی حزب سوسیال دموکرات مقالاتی مبتنی بر دانش عمیق تر مارکسیزم چاپ می‌شد با این همه هنوز مسائلی هست که در پرده ابهام پیچیده است. چرا این حزب در جریان حوادث پارک اتابک سکوت کرد؟ آیا درست است که حیدرخان عمواغلی در برابر ستارخان و در کنار دولت انقلابی ایستاده؟ اگر نیست این شایعه از کجا پیدا شده؟ اگر هست چرا؟»^۷ در رابطه با فاجعه پارک اتابک ابهامات و شبهات تاریخی زیاد است. جان کلام را در این مورد کسروی می‌گوید: «این یکی از اندوهناک‌ترین داستان‌های تاریخ مشروطه است و چون تلخ‌ترین میوه تباہکاری‌های سرشته‌داران بوده نگذارده‌اند چگونگی آن به راستی شناخته شود و تا توانسته‌اند پرده بر روی آن کشیده‌اند.» (تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ص ۱۳۷)

موضوع بحث را با چکیده یادداشت‌های محمود محمود پیگیری و مورد بررسی قرار می‌دهیم: «... سیدعبدالله بهبهانی به دست یاران حیدر عمواغلی کشته شد (رجب ۱۳۲۸) ... همان شب که بهبهانی کشته شد چهار نفر تروریستی که مأمور قتل او شده بودند در رأس آنها حیدر اردبیلی هم اسم حیدر عمواغلی بود) در لباس خورده‌فروش دوره‌گرد از طهران خارج شدند، ولی حیدر عمواغلی دستگیر و در نظمیۀ توقیف شد. به محض اینکه از این امر اطلاع حاصل شد به سردار انتصار (مظفر اعلم) که آن وقت در خدمت نظمیۀ بود و با حزب دموکرات همکاری باطنی داشت مراجعه گردید. سردار انتصار اطمینان داد که او آزاد خواهد شد. حیدرخان اندکی بعد از رهایی از توقیف نظمیۀ (شعبان ۱۳۲۸) از طرف حزب دموکرات، به مأموریت مخفی میان ایل بختیاری رفت و در (ربیع‌الاول ۱۳۲۹) به طهران برگشت ...»^۸. محمود محمود در یادداشت‌های مربوط به (کشته شدن سیدعبدالله بهبهانی، رهایی حیدرخان عمواغلی از توقیف نظمیۀ و بازگشت حیدرخان عمواغلی از مأموریت ایل بختیاری) فقط به تواریخ سال و ماه اکتفا کرده

۵ — نگاه کنید به رهبران مشروطه — صفحه ۴۰۹ و یادداشت‌های سپهسالار تنکابنی صفحه ۱۴۲. حیدرخان عمواغلی مخالف سیطره روس‌ها بر ایران و مخالف به قدرت رسیدن ارامنه در ایران بود. در اینجا روایت گوشه‌ای از فتح خوی در رابطه با موضوع مخالفت حیدرخان عمواغلی با درخواست ارامنه جهت سرنگونی سردار ماکو را نقل می‌کنم که هوشیاری حیدرخان را نشان می‌دهد. زیرا اگر قدرت سیاسی و نظامی را به دست افرادی نظیر پیرم خان ارمنی دهیم نتیجه آن زخمی شدن ستارخان و سیلی خوردن باقرخان می‌شود. اما مسئله از این قرار بود که فردای روز فتح خوی به دست مشروطه‌خواهان «کمیته ارامنه به عمواغلی پیشنهاد نمود اجازه دهد بنویسند دویست فدایی ارامنه از خاک روسیه جهت از بین بردن سردار ماکو با تجهیزات کامل به ایران بیایند. عمواغلی با سخنان سیاسی و پولیتیکی پاسخ داده و به پیشنهاد آنها تن در نداد و گفت: شما از سیاست آگاهی ندارید، ما آزادیخواهان با محمدعلی‌شاه و سایر مستبدین که از یک نژاد و آئین هستیم جنگ می‌کنیم که مشروطه را به جنگ آورده میهن را به ارجمندی برسانیم. آنها هم (محمدعلی‌شاه و سایر مستبدین) از روی نادانی ما را دشمن خود می‌دانند و یا به ضرر مقصود مستبدانه خود می‌بینند. اگر پیشرفت از آن ما شد، فیهاء، اگر به آرزوی آنان شد چون میهن از دست نرفته، نژاد ایرانی انجام همین رویه‌ی ما را دنبال نموده به مقصود می‌رسند، ولی اگر فدائیان ارامنه که معلوم نیست نیت آنها خالی از سیاست نباشد و از کجا معلوم که دولت روس محض پاره‌ای نظریات این‌ها را برناینگیخته باشد و از طرف دیگر به چه امیدی ما ارامنه را به خاک خود مستولی کنیم که بیرون نمودن آنها مشکلات زیادی خواهد داشت» (حیدرخان عمواغلی چکیده انقلاب — صفحه ۱۶۵).

۶ — روزنامه ایران نو، به مدیریت سیدمحمد شبستری آذربایجانی ملقب به «ابوالضیاء» در تاریخ ۷ رجب ۱۳۲۷ قمری و شماره اول سال دوم آن در تاریخ یکشنبه ۱۹ شوال‌المکرم ۱۳۲۸ قمری مطابق ۲۷ اکتبر ۱۹۱۰ میلادی انتشار یافته است از شماره اول سال دوم علاوه بر سیدمحمد شبستری (ابوالضیاء) که صاحب امتیاز و (سیدمهدی افجه‌ای) که مدیرمسئول روزنامه بوده، نام (محمدامین رسول‌زاده) نیز به عنوان سردبیر در عنوان روزنامه درج است (تاریخ جراند و مجلات ایران — جلد اول — محمد صدرهاشمی — ص ۳۴۵، ۳۴۷). لازم به ذکر است که سیدمحمد شبستری از اعضای برجسته مرکز غیبی تبریز بود و روزنامه الحدید و مجاهد که ارگان مرکز غیبی تبریز بود به مدیریت ابوالضیاء منتشر می‌شد. نگاه کنید به: تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام روزنامه ناله ملت — عبدالحسین ناهیدی‌آذر، ص ۳۱ و ۵۵ و به صفحات ۷۴ و ۸۶ کتاب: بانان و حامیان مرکز غیبی تبریز، تألیف راقم این سطور.

۷ — برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت — رحیم نامور — ص ۲۸۹.

۸ — فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت — دکتر فریدون آدمیت — انتشارات سخن — (ضمیمه ۲ — یادداشت‌های محمود محمود) — صفحه ۳۳۴.

و تاریخ روز حوادث را مشخص نکرده است. البته تاریخ قتل مرحوم سیدعبدالله بهبهانی را اکثریت قریب به اتفاق مورخان شب نهم رجب ۱۳۲۸ هجری قمری نوشته‌اند ولی در یکی دو مورد نیز تاریخ هشتم رجب ۱۳۲۸ به چشم می‌خورد که تأثیر چندانی در موضوع بحث ما ندارد. اما تاریخ دقیق رهایی از توقیف نظمیه حیدرخان عمواغلی را مرحوم عباس اقبال آشتیانی با عنوان: «ورقی از تاریخ مشروطه ایران، احوال مرحوم حیدرخان عمواغلی» در شماره ۲۵ مجله یادگار تصریح نموده و نوشته است: «بعد از آنکه در شب نهم رجب ۱۳۲۸ مرحوم سیدعبدالله بهبهانی در تهران به قتل رسید، چون عده‌ای از افراد حزب اعتدال و روحانیون به دروغ یا راست توطئه قتل بهبهانی را به اشاره سران حزب دموکرات منسوب ساختند، حیدرخان عمواغلی نیز در جمله متهمین به این قتل دستگیر شد. لیکن بعد از چند جلسه استنطاق چون مطلبی از او بروز نکرد، او را در ۱۱ شعبان ۱۳۲۸ مرخص نمودند».^۹

اسماعیل رائین نیز در جلد اول کتاب: حیدرخان عمواغلی در صفحه ۱۷۵، یادداشت‌های مزبور عباس اقبال را به نقل از مجله یادگار آورده ولی در صفحه ۱۷۲ همان کتاب، تاریخ آزادی از زندان حیدرخان را به نقل از شماره دیگری از مجله یادگار با ده روز اختلاف چنین نوشته است: «پیشوای اعتدالیون یعنی مرحوم سیدعبدالله بهبهانی در تهران به تاریخ نهم رجب ۱۳۲۸ به قتل رسید. قبل از هر چیز مخالفت حزب دموکرات با او، علت اصلی این قتل شناخته شد و میان افراد دموکرات هم کسی که بیش از همه مورد سوءظن قرار گرفت حیدرخان عمواغلی بود، به همین جهت نظمیه وی را گرفت، ولی در استنطاق از او اطلاعی به دست نیامد و او روز ۲۱ شعبان ۱۳۲۸ از نظمیه مرخص شد».^{۱۰}

در سطور بالا تاریخ آزادی حیدرخان عمواغلی از زندان نظمیه تهران با استناد به مطالب سال سوم، شماره ۲۵ مجله یادگار (۱۱ شعبان ۱۳۲۸) و با استناد به یادداشت‌های سال پنجم و شماره اول و دوم همان مجله (۲۱ شعبان ۱۳۲۸) قلمداد شده است. حال قبل از تجزیه تحلیل، یادداشت‌های محمود محمود و مجله یادگار، ابتدا به بررسی کتاب‌ها و منابعی می‌پردازیم که ۱ - تاریخ‌نگارانی که به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک اشاره نکرده‌اند. ۲ - پژوهشگرانی که موضوع توقیف و زندانی شدن حیدرخان عمواغلی را با استناد به یادداشت‌های محمود محمود بعد از ترور سیدعبدالله بهبهانی مطرح نموده‌اند.

ابتدا موضوع را با مطالب تاریخ‌نگارانی شروع می‌کنیم که به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک اشاره نکرده‌اند: ۱ - دکتر مهدی ملک‌زاده می‌نویسد: «از بدو تشکیل حزب دموکرات و اعتدال اختلافاتی در پس پرده میان «زعمای مشروطه‌خواهان»^{۱۱} بود، در تحت لوای اختلاف حزبی جلوه‌گر شد و کشمکش‌هایی میان آنها آغاز گشت که به مصائب و حوادث

۹ - مجله یادگار - مدیرمسئول عباس آشتیانی - دی ۱۳۲۵ - شماره ۲۵ (سال سوم - شماره پنجم - صفحه ۷۷).

۱۰ - حیدرخان عمواغلی - جلد اول - اسماعیل رائین - صفحه ۱۷۲ (به نقل از مجله یادگار - سال پنجم - شماره اول و دوم - ص ۵۳ و ۵۴).

۱۱ - دودستگی و رقابت میان دو سردار فاتح تهران (سپهدار رییس‌الوزرا و سردار اسعد وزیر جنگ یا وزیر داخله) ادامه داشت، در پارلمان دو فرقه اعتدالی و دموکرات و چند دسته دیگر در کار بودند، سردار ملی و سالار ملی هم که از تبریز به پایتخت آمدند و مورد استقبال کم‌نظیر مردم قرار گرفتند بر آن عوامل سیاسی افزوده شدند، سیاست روس و انگلیس هم جای همیشگی خود را داشت و اوضاع عمومی سیاسی حاصل برخورد مجموع آن عوامل بود. سپهدار و فرقه اعتدالی و مجاهدین معزالسلطان در معنی جبهه واحدی داشتند. به علاوه سیدعبدالله بهبهانی، طبقه تاجر بازاری و جمعی از آزادی‌خواهان سابق، به درجات با آن جبهه همراه بودند. در مقابل آن فرقه دموکرات و مجاهدین حیدرخانی جبهه متشکلی را می‌ساختند و سردار اسعد هم در باطن پشتیبان آنان بود. از آن گذشته دستگاه نظمیه معمولاً با دموکرات‌ها پیوند باطنی داشت ... دشمنی و کینه‌توزی میان دو جبهه دموکرات و اعتدالی هنوز اوج می‌گرفت که سیدعبدالله

ناگواری منتهی گردید... شب شنبه ۲۴ تیر (۹ رجب ۱۳۲۸) چهار نفر مجاهد مسلح از تاریکی شب استفاده کرده چون دزدان به خانه بهبهانی رفتند و آن مرد روحانی هفتاد ساله مؤسس مشروطیت را با گلوله شهید کردند ... اگرچه در آن ایام قاتلین شهید سعید شناخته نشدند ولی پس از چندی معلوم شد که سه نفر از مجاهدین دسته حیدر عمواغلی بنام رجب، حسین لله، علی اصغر این جنایت فجیع را مرتکب شده‌اند ... قاتلین چون از مجاهدین دسته حیدر عمواغلی بودند و حیدر عمواغلی از سران حزب دموکرات بود پس در نتیجه حزب دمکرات و یا رهبر و لیدر آنها محرک قتل مرحوم بهبهانی بوده است. حزب اعتدال، روحانیون، رجال مستبد و ارتجاعی که از توسعه حزب دموکرات بی‌نهایت آشفته خاطر و نگران بودند و یقین داشتند که اگر روزی این حزب تندرو و انقلابی نیرومند بشود ستاره اقبال آنان افول خواهد کرد و همه چیز آنها به خطر خواهد افتاد از پیش‌آمد تأثرآور قتل فجیع مرحوم بهبهانی استفاده کردند و دمکرات‌ها را محرک و موجب و عامل آن اعلام داشتند ... اعتدالیون و طرفداران بهبهانی به انتقام خون آن مرحوم بر آن شدند که چند نفر از رؤسای متنفذ دمکرات‌ها از آن جمله تقی‌زاده، میرزاعلیمحمدخان، حیدر عمواغلی و حسین‌قلی‌خان نواب را از میان بردارند و برای عملی کردن این منظور عده‌ای از مجاهدین قفقازی را که از دسته سردار محیی بودند مأمور نمودند. چون تقی‌زاده در آن ایام کمتر آمد و شد می‌کرد و کاملاً مراقب خود بود و عده‌ای هم حفاظت و پاسبانی او را عهده‌دار شده بودند به او دست نیافتند ولی در یکی از همان ایام مجاهدین مذکور با حیدر عمواغلی در خیابان چراغ گاز روبرو شدند و به طرف او حمله بردند ولی از حسن اتفاق خانه ضیاءالسلطان در همان نزدیکی بود و حیدرخان توانست با چابکی خود را در آن خانه بیندازد و از چنگ حمله کنندگان نجات یابد. یکی از شب‌ها که حیدرخان مهمان مدیرالصنائع بود و با چند نفر از رفقاییش که همگی با موزر مسلح بودند به طرف خانه میزبان می‌رفتند جمعی که در کمین او بودند از کمین‌گاه بیرون آمده و به طرف او حمله بردند و چند تیر هم میان طرفین ردوبدل شد ولی باز به حیدرخان آسیبی نرسید و جان به سلامت بدر برد ... (در نهایت دکتر ملک‌زاده راجع به جنگ پارک اتابک چنین نوشته است): بعد از ظهر اول شعبان قوای دولتی مرکب از هزار نفر بختیاری به ریاست سردار بهادر و پانصد نفر ارمنی و مسلمان به فرماندهی یفرم‌خان و چند فوج سرباز که در تهران بودند با چند عراده توپ پارک اتابک را محاصر کردند و عمارت اطراف را که به پارک مسلط بود سنگر نمودند و با توپ و تفنگ و نارنجک به پارک حمله بردند»^{۱۲}.

بهبهانی را در هشتم رجب ۱۳۲۸ شبانگاه کشتند. هیئت دولتی هم در کار نبود، بحران سیاسی ادامه داشت. ترور بهبهانی به دست مجاهدین حیدرخانی انجام گرفت. قضیه کشتن سیدبهبهانی نه مشکل تاریخی است و نه ابهامی دارد. مسئولیت مستقیم حیدرخان و تقی‌زاده در آن حادثه مسلم است... نوشته صریح رییس کمیته اجرایی فرقه دموکرات و از یاران یکدل حیدرخان، (یادداشت‌های محمود محمود) در این قضیه حجت است و مسأله تمام، پرحرفی هم لازم نیست ... باری با کشتن سیدبهبهانی از اعتبار اجتماعی فرقه دموکرات در مجلس و در افکار عام خیلی کاسته شد ... ترور سیدبهبهانی هیچ منطق موجهی، حتی در منطق ترور، نداشت. هر کاستی در کار بهبهانی بود، او به حرکت مشروطه‌خواهی خدمت کرده بود. ترور بهبهانی نشانه نافیهمی سیاسی محرکان ماجراجویی بود که افق فکری بسیار محدود داشتند ... چنانکه دیدیم نه فقط، از نفوذ کلمه این جمع کاسته شد، از مرکز اجتماعین عامیون بادکوبه بر «عملیات» رؤسای فرقه اعتراضی گشت. مایه بی‌اعتبار گشتن فرقه دموکرات در درجه اول رفتار خلاف دموکراتی این حزب بود. اما کارنامه فرقه دموکرات بر روی هم: این فرقه به زمان خود مرام مترقی داشت. اصول مرامنامه‌اش را محمدامین رسول‌زاده نوشته بود که در دستگاه مدیره حزب تنها متفکر برجستهای است که می‌شناسیم ... عقل عملی هیأت مدیره حزب سخت محدود بود. اما روزنامه «ایران نو» سخنگوی فرقه دموکرات، در راه روشنگری، پیکار با جهل و عقب‌ماندگی و تاریک‌اندیشی بسیار باارزش بود». (فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران - دکتر فریدون آدمیت - صفحات ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳)

۱۲ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران - کتاب ششم - دکتر مهدی ملک‌زاده - صفحات ۱۳۲۹، ۱۳۶۳، ۱۳۳۶ الی ۱۳۳۸ و ۱۳۵۱.

۲ - محمدعلی سفری مؤلف کتاب: مشروطه‌سازان می‌نویسد: درباره حادثه پارک اتابک نگارنده در سال ۱۳۳۴ شمسی گفتگویی داشتم با «شهاب‌الدوله» که در جریان پارک اتابک عضو کابینه مستوفی‌الممالک بود و مأمور گفتگو با ستارخان. شهاب‌الدوله در خاطره‌ای ... پیرامون دیدارش با ستارخان چنین نوشت: در چنین ساعاتی بحرانی دولت تصمیم گرفت هیئتی را نزد ستارخان مجاهد اعزام نماید شاید آنها را متقاعد نماید که دست از ستیز بردارند و در استقرار امنیت کشور به دولت معاضدت نمایند. قرعه این فال به نام من افتاد و به وسیله تلفن به اردوی پارک اطلاع داده شد که هیئتی از طرف دولت برای مذاکره اصلاح خواهند آمد. ... پس از حصول موافقت قطعی و مصافحه و روبروسی با کمال شادمانی بازگشتیم و به دولت بشارت دادیم که به این طریق قضیه خاتمه یافت. از طرف دولت به فوریت «موسیو لکفر» مأمور شد وجه از خزانه و بانک به قدر کفایت بگیرد و برود اسلحه‌ها را تحویل بگیرد. به محض رسیدن فرستاده دولت به پارک، از پارک تلفن کردند و مرا برای مذاکره خواستند و ستارخان خود با تلفن با اینجانب مذاکره و اطلاع داد که متأسفانه بعد از رفتن شما اشخاصی آمدند و ما را منصرف کردند ... به هر حال نزدیکی شب در نتیجه تصادف و نزاع دو سه نفر از طرفین، جنگ پارک شروع شد. پیرم ارمنی با مجاهدین خود و قوای انتظامی و کلیه جنگجویان بختیاری با مجاهدین داخل پارک به جنگ پرداختند و نأثره جنگ مشتعل شد. هیئت دولت در گلستان ساعت‌های پراضطرابی را می‌گذراندند که جنگ به خارج پارک و ارگ و گلستان بکشد. بالاخره نزدیک نیمه‌شب خبر رسید که متأسفانه تیر به پای ستارخان اصابت کرده و در پارک گشوده شد و سران مجاهدین همه متواری شدند. رفتن هیئت دولت به پارک و ساعت‌هایی که در انتظار نتیجه جنگ بودیم بسی هیجان‌انگیز و اضطراب‌آور بود»^{۱۳}.

۳ - یحیی دولت‌آبادی: «پنج ساعت به غروب مانده جنگ شروع می‌شود سه ساعت از شب گذشته ختم می‌گردد و جمعی از طرفین کشته می‌شوند و بالاخره به وسیله گلوله‌های شراپنل و بمب و حمله بختیاری‌ها و قشون دولتی پارک را تصرف کرده جمعی را در هنگام تصرف پارک می‌کشند قریب سیصد نفر را دستگیر می‌نمایند. ستارخان که خود شامل جنگ نبوده و در عمارت پارک نشسته تیری به پایش می‌خورد و استخوان قلم پا را خورد می‌کند ... پس از وقوع این جنگ اگرچه کابینه جدید قوت گرفته «سردار اسعد»^{۱۴} مخصوصاً خود را کامروا تصور می‌کند ولی تنفر عمومی از این کابینه و سردار اسعد حاصل می‌شود و بی‌اندازه خاطر عامه منجر می‌گردد خاصه که فرمانده این جنگ پیرم‌خان ارمنی است»^{۱۵}.

۱۳ - مشروطه‌سازان - محمدعلی سفری - صفحه ۴۲۵ و ۴۲۶.

۱۴ - «بعد از واقعه پارک اتابک صولت‌الدوله با امیر مخم متحد شده در عشر وسط شعبان به خیال تسخیر تهران و از بین بردن سردار اسعد و صمصام‌السلطنه افتادند آنها خواستار: مجازات قاتلین آقا سید عبدالله بهبهانی و اخراج ارامنه از امورات دولتی خصوصاً پیرم‌خان را به واسطه جسارتی که به مجاهدین و ستارخان نموده بود ... بعد از واقعه پارک (اتابک) اهالی تهران از بختیاری‌ها و ارامنه اظهار نفرت کردند و خصوصاً از سردار اسعد. (خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی - چاپ اول ۱۳۶۲ - انتشارات فردوس تهران - صص ۹۶ - ۱۰۲)

۱۵ - حیات یحیی - جلد سوم - یحیی دولت‌آبادی - صفحه ۱۳۹.

۴ - مخبرالسلطنه هدایت: «ستارخان پارک اتابک را سنگر کرده، دادن اسلحه را ابا داشت، مگر اینکه کابینه تغییر کند. قوای دولتی سردار بهادر و یفرم پارک را محاصره کردند. غزه شعبان دو ساعت بعد از ظهر کار به جنگ کشید. زانوی ستارخان زخم برداشت، متابعین او را دستگیر کردند»^{۱۶}.

۵ - قهرمان میرزاعینالسلطنه (سالور): باری برای خلع سلاح مجاهدین، وزرا، وکلا، کلاً تقویت می‌کنند و حکم می‌دهند، اگر ندهند آنها را قلع و قمع نمایند، آنها هم تمکین نکرده حکم به قزاق و بختیاری و مسیو یفرم می‌شود، آنها را محاصره کنند. جنگ سختی نمودند. از قراری که می‌گویند صد و پنجاه نفر کشته شده‌اند و سیصد و پنجاه نفر را دستگیر کردند. سالار ملی را دستگیر کردند. سردار ملی را به طوری که نوشته بودند رفته دیدند دو تیر خورده در خون خود می‌غلطید»^{۱۷}.

۶ - محمدمهدی شریف کاشانی: از وزارت جنگ از ستارخان خواسته شد که حضرات را از پارک خارج کنید. در جواب گفته که: در خارج کردن، شایسته و معمول نیست که شخص متحصن را از منزل خود عنفاً خارج کنند. چند روز صبر کنید، من به نصیحت آنها را راضی به خلع اسلحه می‌کنم. اسلحه آنها را گرفته، تحویل دولت می‌نمایم. محرکین فتنه و فساد اجازه به مهلت ندادند. لذا، در عصر غره‌ی شهر شعبان ۱۳۲۸، جماعتی از سرباز و سوار و قزاق و بختیاری و توپ و مسلسل و یفرم‌خان، از جانب قوام‌السلطنه وزیر جنگ مأمور به محاصره پارک گردید. سرباز و سوار پارک را محاصره می‌کنند، بنای توپ و شلیک و تفنگ به پارک می‌شوند. یفرم خان هم درب پارک را نفت زده، آتش می‌زنند. بعد از چند دقیقه در سوخته، سرباز و سوار و بختیاری وارد پارک شده‌اند از قراری که گفته می‌شود، تلفات خیلی می‌شود»^{۱۸}.

اما پژوهشگرانی که با استناد به یادداشت‌های محمود محمود موضوع زندانی بودن حیدرخان عمواغلی در زمان جنگ پارک اتابک را مطرح کرده‌اند، عبارتند از:

۱ - رحیم رضازاده ملک نوشته است: «مجاهدینی که سیدعبدالله بهبهانی را کشتند: حیدر اردبیلی، رجب سرابی، حسین‌لله و علی‌اصغر نام داشتند. اینان همان شب قتل در لباس خرده‌فروش دوره‌گرد از تهران خارج شدند ... حزب اعتدال که در دستگاه حکومتی صاحب‌نفوذ بود، نظمیه را واداشت که حیدرخان عمواغلی را توقیف کند. حزب دمکرات که یکی از مؤسسين و اعضای صدیق و ارجمند خود را در بند دید به فعالیت پرداخت. محمود محمود رییس کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات می‌نویسد: حیدر عمواغلی دستگیر و در نظمیه توقیف شد. به محض اینکه از این امر اطلاع حاصل شد، به سردار انتصار (مظفر اعلم) که آن وقت در خدمت نظمیه بود و با حزب دمکرات همکاری باطنی داشت مراجعه گردید. سردار انتصار اطمینان داد که او آزاد خواهد شد.

۱۶ - گزارش ایران - مخبرالسلطنه هدایت - ص ۲۵۴.

۱۷ - روزنامه خاطرات عینالسلطنه - قهرمان میرزاعینالسلطنه (سالور) - به کوشش مسعود سالور - ایرج افشار - جلد چهارم - صفحه ۳۱۸۲.

۱۸ - واقعات اتفاقیه در روزگار تاریخ مشروطه - محمدمهدی شریف کاشانی - به کوشش منصوره اتحادیه - جلد دوم - ص ۵۴۹.

حیدرخان عمواغلی بعد از چند جلسه استنطاق روز ۱۱ شعبان ۱۳۲۸ از توقیف نظمیه مرخص شد و اندکی بعد از رهایی، از طرف حزب دمکرات به مأموریت مخفی میان ایل بختیاری رفت»^{۱۹}.

۲ - صمد بهرنگی: بعد از قتل سیدعبدالله بهبهانی (۱۲۸۹ شمسی) حزب اعتدال شهرت داد که بهبهانی را دمکرات‌ها کشته‌اند و بنابراین حیدر عمواغلی با عده دیگری دستگیر شد اما پس از چهل روز که هیچگونه مدرکی به دست نیاوردند آزاد شد. اما تحت تعقیب تروریست‌های حزب اعتدال قرار گرفت و دو بار از گلوله آنها جان به سلامت برد^{۲۰}.

۳ - دکتر سلام‌الله جاوید: بعد از آنکه در شب نهم رجب ۱۳۲۸ (۲۴ تیر ۱۲۸۹) مرحوم سیدعبدالله بهبهانی به قتل رسید کمیته حزب اعتدال شهرت داد که مرحوم بهبهانی را دمکرات‌ها کشته‌اند به همین مناسبت حیدرخان عمواغلی نیز جزو متهمین دستگیر شد. چون بعد از چهل روز نتوانستند مدرک و اقرار به دست بیاورند مرخص کردند و در مرخصی عمواغلی مظفر اعلم (سردار انتصار) که متمایل به دمکرات‌ها بود و در نظمیه مأموریت داشت کمک مؤثری کرد^{۲۱}.

۴ - ابراهیم صفائی: روز جمعه ۸ رجب ۱۳۲۸ قمری (۲۴ تیر ۱۲۸۹ شمسی) آغاز شب «حیدرعمواغلی»^{۲۲} و رجب سرابی و دو نفر دیگر طبق نقشه‌ای که با نظر سران دمکرات طرح شده بود در حالیکه سر و صورت خود را مستور کرده بودند و به قیافه راهزنان نقابدار درآمدند به منزل بهبهانی رفتند و با عجله راه‌پله‌های ایوان تابستانی را پیش گرفته با سه گلوله پیاپی او را به قتل رسانیده فرار کردند ... از متهمان اصلی این توطئه حیدر عمواغلی گریخت و پس از چند روز دستگیر شده قریب چهل روز زندانی بود ولی بدون محاکمه و مجازات با مداخله دمکرات‌ها و با کمک یپریم رئیس شهربانی آزاد شد^{۲۳}.

۵ - دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان: «در ماه ژوئیه/ تیر ۱۲۸۹ چهار مرد نقابدار سیدعبدالله بهبهانی را در خانه‌اش به ضرب گلوله به قتل می‌رسانند. قتل او نتیجه غیرمستقیم عداوت بین دمکرات‌ها و «اعتدالیون»^{۲۴} است که هر دو در مجلس نماینده دارند. حیدرخان مجاهد و چهار نفر دیگر عاملان جنایت تصور می‌شوند ... حیدرخان هم پیدا می‌شود و دستگیر می‌گردد، ولی بعد از اینکه شش هفته رادر زندان می‌گذرانند بدون اتهام آزاد می‌شود»^{۲۵}.

۶ - دکتر باقر عاقلی نیز در روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی نوشته است که بعد از قتل سیدعبدالله بهبهانی در روز جمعه ۸ رجب ۱۳۲۸ (۲۴ تیر ۱۲۸۹ شمسی) ... از متهمان اصلی این توطئه حیدر عمواغلی گریخت و پس از چند روز

۱۹ - حیدرخان عمواغلی چکیده انقلاب - رحیم رضازاده ملک - صفحه ۲۰۱ و ۲۰۲.

۲۰ - مجموعه مقاله‌ها - صمد بهرنگی - چاپ اول - ص ۲۵.

۲۱ - دو قهرمان آزادی - دکتر سلام‌الله جاوید - چاپ اول ۱۳۴۲ - ص ۳۲.

۲۲ - یکی از ضاربان بهبهانی حیدر اردبیلی هم‌اسم حیدر عمواغلی بود. اینکه حیدر عمواغلی در یادداشت‌های ابراهیم صفائی، ضارب معرفی شده احتمالاً اشتباه چاپی است.

۲۳ - رهبران مشروطه - ابراهیم صفائی - چاپ سوم - ص ۱۹۹ و ۲۰۱.

۲۴ - رؤسای حزب اعتدالیون عبارت بودند از: میرزا محمدصادق طباطبایی - میرزا علی‌اکبرخان دهخدا - میرزا علی محمد دولت‌آبادی و ... همچنین دو پیشوای بزرگ مشروطه در تهران یعنی آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی هوادار این حزب بودند. (تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، انقراض قاجاریه - ملک‌الشعرا بهار - جلد اول - صفحه ۱۰)

۲۵ - دولت و جامعه در ایران (انقراض قاجاریه و استقرار پهلوی) - دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان - ترجمه حسن افشار - ص ۸۶ و ۸۷.

دیگر دستگیر شد و قریب چهل روز زندانی بود ولی بدون محاکمه و مجازات با مداخله دموکرات‌ها و با کمک پیرم رئیس شهربانی آزاد شد»^{۲۶}.

حال بعد از ارائه منابع مذکور، ابتدا به تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی آنها و سپس به نتیجه‌گیری از اسناد یادشده می‌پردازیم، در این بررسی و تحقیق دوازده کتاب و منبع تاریخی مورد استفاده قرار گرفت که شش نفر از پژوهشگران آن کتاب‌ها به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک اشاره نکرده‌اند که عبارتند از: ۱ - دکتر مهدی ملک‌زاده ۲ - محمدعلی سفری به نقل از (شاهزاده شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف کابینه مستوفی‌الممالک) ۳ - یحیی دولت‌آبادی ۴ - مخبرالسلطنه هدایت ۵ - قهرمان میرزاعین‌السلطنه ۶ - محمد مهدی شریف کاشانی. چون حیدرخان عمواغلی شخصیتی شناخته شده و سرشناس در آن دوران بود و بعد از ترور سیدعبدالله نیز به عنوان متهم سر زبان‌ها افتاد، بنابراین اگر در جنگ پارک اتابک شرکت کرده بود حداقل برخی از تاریخ‌نگاران مذکور و خصوصاً دکتر مهدی ملک‌زاده که با شرح و توضیح تمام وقایع بعد از ترور سیدعبدالله بهبهانی و تحت تعقیب قرار گرفتن حیدرخان عمواغلی از طرف تروریست‌ها، شرح جنگ پارک اتابک و حتی عاقبت مجاهدین همراه ستارخان در پارک را به تفصیل توضیح داده، آن وقت بعید به نظر می‌رسد که حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک شرکت کند و ایشان از او نام نبرد.

اما شش نفر آخر از تاریخ‌نگاران و پژوهشگران مذکور، یعنی: ۱ - رحیم رضازاده ملک ۲ - دکتر سلام‌الله جاوید ۳ - صمد بهرنگی ۴ - ابراهیم صفائی ۵ - دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان ۶ - دکتر باقر عاقلی، در کتاب‌هایشان نوشته‌اند که حیدرخان عمواغلی چند روز بعد از ترور سیدعبدالله بهبهانی دستگیر و زندانی شد. بنابه نوشته: دکتر سلام‌الله جاوید، صمد بهرنگی، ابراهیم صفائی و دکتر باقر عاقلی که اکثریت پژوهشگران گروه دوم را تشکیل می‌دهند نوشته‌اند که حیدرخان عمواغلی بعد از دستگیری چهل روز زندانی بوده است و دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان نیز مدت زندان بودن حیدرخان را شش هفته یعنی چهل و دو روز قلمداد کرده است که با دو روز اختلاف، با نظر چهار محقق مذکور همخوانی دارد. اما رحیم رضازاده ملک مبنای زندانی بودن حیدرخان را بعد از ترور سیدعبدالله یعنی حداقل بین دستگیری حیدرخان و تاریخ آزادی او را ۱۱ شعبان ۱۳۲۸ نوشته است. به طوری که در صفحات قبل به آن اشاره شد، تاریخ آزادی حیدرخان عمواغلی از زندان نظمیه تهران با استناد به عباس اقبال آشتیانی و دو شماره مجله یادگار (سال سوم و سال پنجم) تاریخ‌های (۱۱ شعبان ۱۳۲۸) و (۲۱ شعبان ۱۳۲۸) قلمداد شده است که اسماعیل رائین نیز در جلد اول کتاب حیدرخان عمواغلی تواریخ مزبور را به نقل از شماره‌های یادشده مجله یادگار ثبت کرده است.

اکثریت قریب به اتفاق مورخان نوشته‌اند که سیدعبدالله بهبهانی در تاریخ (۹ رجب ۱۳۲۸ قمری برابر با ۲۴ تیر ۱۲۸۹ شمسی) ترور شد و فاجعه پارک اتابک نیز (۳۰ رجب ۱۳۲۸ قمری برابر با ۱۴ مرداد ۱۲۸۹ شمسی) یعنی ۲۱ روز بعد از ترور سیدعبدالله بهبهانی به وقوع پیوست.

حال با استناد به تواریخ آزادی حیدرخان عمواغلی از زندان یعنی (۱۱ شعبان ۱۳۲۸) و (۲۱ شعبان ۱۳۲۸) و با استناد به نوشته: دکتر سلام‌الله جاوید، صمد بهرنگی، ابراهیم صفائی، دکتر باقر عاقلی که مدت زمان زندانی بودن حیدرخان عمواغلی را چهل روز قلمداد کرده‌اند، معلوم می‌شود که این پژوهشگران تاریخ آزادی از زندان حیدرخان را (۲۱ شعبان ۱۳۲۸) مبنا قرار داده‌اند که از تاریخ ترور سیدعبدالله یعنی (۹ رجب ۱۳۲۸) تا تاریخ بیست و یکم شعبان همان سال چهل روز می‌شود. با توجه به تاریخ وقوع فاجعه پارک اتابک یعنی (۳۰ رجب ۱۳۲۸) و تاریخ آزادی از زندان حیدرخان یعنی (۲۱ شعبان همان سال، در آن صورت بنابه نوشته پژوهشگران مذکور، حیدرخان عمواغلی ۲۱ روز بعد از فاجعه پارک اتابک از زندان آزاد شده است. یعنی در جنگ پارک اتابک شرکت نداشته است.

اما اگر بنابه نوشته رحیم رضازاده ملک که بدون ذکر مدت زمان حبس، تاریخ آزادی حیدرخان عمواغلی را (۱۱ شعبان ۱۳۲۸) نوشته است، و دکتر عبدالحسین نوائی و اسماعیل رائین نیز در آثارشان به آن تاریخ اشاره کرده‌اند در نظر بگیریم، در آن صورت با توجه به تاریخ جنگ پارک اتابک (۳۰ رجب ۱۳۲۸)، حیدرخان عمواغلی ۱۱ روز بعد از جنگ پارک اتابک از زندان آزاد شده است که باز در جنگ پارک اتابک شرکت نداشته است.

به نظر نگارنده این سطور اشاره پژوهشگران یادشده به مدت زمان چهل و یا چهل و دو روز حبس حیدرخان عمواغلی صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا در این صورت چنین استنباط می‌شود که حیدرخان عمواغلی در همان روز ترور سیدعبدالله یعنی (۹ رجب ۱۳۲۸) دستگیر شده است در صورتی که شواهد تاریخی نشان می‌دهد که حیدرخان حداقل چند روز پس از ترور سیدعبدالله بهبهانی دستگیر شده است.

البته بنده یقین دارم که هدف زنده‌یادان: دکتر سلام‌الله جاوید و صمد بهرنگی و سایر پژوهشگران از ذکر چهل روز زندان، مبنا قرار دادن و محاسبه فاصله زمانی تاریخ ترور سیدعبدالله یعنی (۹ رجب ۱۳۲۸) و تاریخ آزادی از زندان وی یعنی (۲۱ شعبان ۱۳۲۸) بوده است.

نتیجه نهایی تحقیق و بررسی اسناد و منابع مذکور و با استناد به هر دو تاریخ آزادی از زندان حیدرخان عمواغلی یعنی ۱۱ شعبان ۱۳۲۸ و ۲۱ شعبان ۱۳۲۸ و با تطبیق و مقایسه آن تواریخ با تاریخ وقوع جنگ پارک اتابک (۳۰ رجب ۱۳۲۸) آشکار می‌شود که حیدرخان عمواغلی در زمان جنگ پارک اتابک در زندان بوده است. شاید هم حبس حیدرخان عمواغلی از یک نظر توفیق اجباری بوده است که در جنگ علیه ستارخان شرکت نکند. حال این سؤال شاید به ذهن کسی خطور کند که در

یادداشت‌های محمود محمود و مجله یادگار تاریخ آزادی از زندان حیدرخان عمواغلی نوشته شده، تاریخ دستگیری حیدرخان که مشخص نیست؟ از کجا معلوم حیدرخان بعد از فاجعه پارک اتابک دستگیر و راهی زندان شده است؟ اما جواب این سؤال واضح است. اولاً بعد از ترور سیدعبدالله بهبهانی مأموریت نظمیه به تحریک سران حزب اعتدال و روحانیون طرفدار بهبهانی، در به در دنبال سران حزب دمکرات و حیدرخان عمواغلی می‌گشتند و ایشان تحت پیگیری شدید قانونی قرار داشت و در دو حادثه درگیری مسلحانه نیز از گلوله تروریست‌ها جان سالم بدر برد، با این اوصاف حیدرخان عمواغلی خیلی باهوش‌تر و زرنک‌تر از آن بود که در روز روشن در پارک اتابک ظاهر شود و بلافاصله توسط مأمورین نظمیه دولت دستگیر و راهی زندان شود. دوماً بین ترور سیدعبدالله بهبهانی یعنی ۲۴ تیرماه تا روز جنگ پارک اتابک یعنی ۱۴ مردادماه حدود ۲۱ روز فاصله است و اکثر پژوهشگران نیز نوشته‌اند که حیدرخان عمواغلی چند روز بعد از ترور سیدعبدالله دستگیر شد، بنابراین دستگیری و توقیف حیدرخان عمواغلی به احتمال قریب به یقین و با استناد به مطالب ارائه شده، قبل از جنگ پارک اتابک اتفاق افتاده و اگر به احتمال محال و ضعیف بعد از جنگ پارک اتابک نیز، دستگیر شده باشد در آن صورت وی در مخفی‌گاه بوده و نمی‌توانست آشکارا در ملاعام ظاهر و در جنگ شرکت کند. به نظر نگارنده با توجه به کلیه جوانب و با استناد به مطالب و دلایل ارائه شده حیدرخان عمواغلی در جنگ علیه ستارخان شرکت نداشته است.

بعد از شرح منابع و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری نهائی از اسناد مورخان و محققانی که بر عدم حضور حیدرخان عمواغلی در فاجعه شوم پارک اتابک تأکید کرده‌اند، به شرح چهار مورد از منابع و دیدگاه‌های ضد و نقیض مورخانی می‌پردازیم که هم به یادداشت‌های محمود محمود و هم به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک اشاره کرده‌اند:

۱ - دکتر عبدالحسین نوائی، دو یادداشت ضد و نقیض را همزمان مطرح کرده است. وی در عین حال که موضوع زندانی شدن و آزادی حیدرخان در ۱۱ شعبان ۱۳۲۸ قمری را مطرح کرده، همزمان به شرکت حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک نیز اشاره کرده است! بنابه نوشته او: «بعد از قتل سیدعبدالله بهبهانی کسی که بیش از همه مورد سوءظن قرار گرفت حیدرخان عمواغلی بود، از این روی نظمیه وی را گرفت. ولی در استنطاق از او اطلاعی به دست نیامد و او روز ۱۱ شعبان ۱۳۲۸ از نظمیه مرخص شد»^{۲۷}. دکتر نوائی در تضاد با مطالب مزبور در رابطه با جنگ پارک اتابک نوشته است: «حیدرخان در محاصره پارک و دستگیری و خلع سلاح مجاهدین شرکت کرد. نتیجه این نبرد جسورانه مجاهدین بر همه معلوم است و در همین جا بود که پای قهرمان جسور تبریز تیر خورد و تسلیم شد و مردی که در برابر دشمن زانو نزد در پیشگاه قانون مشروطیت سر سپرد...»

تقدیر چنین خواسته بود که در چنین هنگامی حیدرخان و ستارخان که روزی هر دو برای یک هدف مشترک جانبازی کرده بودند، در شطرنج سیاست خصم یکدیگر و دشمنی جان هم کردند به روی یکدیگر اسلحه بکشند»^{۲۸}.

۲ - میرزا ابوالقاسم خان کحالزاده، به نقل از یادداشت‌های محمود محمود در خاطرات خود نوشته است: «همان شب که بهبهانی کشته شده چهار نفر تروریستی که مأمور قتل او شده بودند (در رأس آنها حیدر اردبیلی هم‌اسم حیدر عمواغلی بود) در لباس خرده‌فروش دوره‌گرد از تهران خارج شدند. ولی حیدر عمواغلی دستگیر و در نظمیۀ توقیف شد» کحالزاده در تضاد با این خبر، در ادامه و پشت همان صفحه نوشته است: «در جنگی که بین قوای تأمینیه دولت و مجاهدین مقیم پارک اتابک به سرکردگی ستارخان سردار ملی روی داد، حیدرخان چون از مؤسسين «حزب دمکرات»^{۲۹} و حکومت هم منتخب حزب بود با آن همه عوالم دولتی و رفاقت با ستارخان برعلیه او جنگید و در این جنگ به نفع دولت اقدام و دخالت داشت»^{۳۰}.

۳ - استاد رحیم رئیس‌نیا، در کتاب ارزنده «دو مبارز جنبش مشروطه» در مبحث «فاجعه پارک» به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ علیه ستارخان اشاره نکرده و نوشته است: «بختیاری‌ها و ارمنی‌ها چون به پارک درآمدند، در خشونت و بدرفتاری با پارک‌نشینان حدی نشناختند و در چپاول و غارت، دست سواران مغول را از پشت بستند... با این همه از حق نباید گذشت که مستوفی‌الممالک - رئیس‌الوزرای وقت - که مردی خوش‌نام و معتدل بوده، در این ماجرا مستقیماً دستی نداشته است»^{۳۱}. نظر رئیس‌نیا در مورد مستوفی‌الممالک مبنی بر اینکه او در این ماجرا (پارک اتابک) مستقیماً دستی نداشته، صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا وی به عنوان رئیس‌الوزرا، در تمامی حوادث پارک اتابک مسئولیت مستقیم داشت و به قول حسین ملکی زاوش: «توطئه فاجعه‌آمیز پارک اتابک، توسط یکی از تربیت‌یافتگان مکتب فراماسونری (میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک عضو لژ بیداری) ترتیب یافت، که مشاطه‌گران فراماسونری، او را به هیأت آزادیخواهی و انقلابی‌گری آراسته و لباس ملی‌گرایی را زیب پیکر منحوسش کرده، برای چنین روزی آماده‌اش ساخته بودند»^{۳۲}.

دکتر رئیس‌نیا در کتاب «دو مبارز جنبش مشروطه» که در سال ۱۳۴۸ چاپ شده بود به حضور حیدرخان در جنگ پارک اتابک اشاره نکرده بودند ولی در کتاب: حیدرخان عمواغلی در گذر از طوفان‌ها، که حدود ۱۲ سال بعد از آن چاپ شده، به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک مهر تأیید زده و نوشته‌اند: «خود عمواغلی نیز با وجود حضور در بین مهاجمان به

۲۸ - همان مأخذ - ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۲۹ - دکتر فریدون آدمیت در مورد گردانندگان حزب دمکرات می‌نویسد: متفکر برجسته دمکرات ایران محمدامین رسول‌زاده بود، تشکیلات حزبی نسبتاً منظم آن در درجه اول کار حیدرخان متفکر انقلابی بود. هر دو تعلیمات حزبی را در حزب سوسیال دمکرات آموخته بودند، از نظر تفکر انقلابی دو شخصیت ممتاز و در ایران بی‌نظیر بودند. ریاست کمیته مرکزی دمکرات را میرزامحمدخان (محمود محمود بعدی) به عهده داشت. رئیس فرقه در مدت هشت ماهه اول مجلس دوم سیدحسن تقی‌زاده بود. (فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران - صفحه ۹۵)

۳۰ - دیده‌ها و شنیده‌ها، خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحالزاده منشی سفارت امپراتوری آلمان در ایران - به کوشش: مرتضی کامران - ص ۴۴۳ و ۴۴۴.

۳۱ - دو مبارز جنبش مشروطه - رحیم رئیس‌نیا - عبدالحسین ناهید - ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۳۲ - رابطه فراماسونری با صهیونیسم و امپریالیسم - ج.م.زاوش - ص ۱۵۹.

پارک جزو شکست خوردگان به شمار می‌رود. بعد از ختم کار خلع سلاح، خود حیدر به عنوان رهبر جناح رادیکال حزب، به اتهام قتل بهبهانی توسط همان دولت مورد حمایت دمکرات‌ها توقیف می‌گردد و چون از زندان آزاد می‌شود، نمی‌تواند در تهران باقی بماند»^{۳۳}. مطرح نمودن توقیف حیدرخان عمواغلی بعد از فاجعه پارک اتابک، به نظر نگارنده این سطور صحیح نمی‌باشد و اسناد و دلایل آن در صفحات قبلی ارائه شده است.

۴ - اسماعیل رائین، در جلد اول کتاب حیدرخان عمواغلی متن یادداشت‌های محمود محمود راجع به توقیف حیدرخان عمواغلی و تاریخ آزادی او از زندان نظمیه را در صفحات ۱۷۲، ۱۷۴ و ۱۷۵ نقل کرده است. وی برخلاف مطالب مزبور با استناد به احمد کسروی، حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک را تأیید کرده و نوشته است: بنابه روایت شادروان کسروی، حیدر عمواغلی یکی از عوامل اساسی پیشامد پارک اتابک به شمار می‌رسد و این اظهار نظر نمی‌تواند چندان هم از حقیقت دور باشد. ... حیدرخان پیروزی بر ستارخان و یاران او را یک موفقیت بزرگ برای انقلابیون در برابر اعتدالیون می‌دانست ... اما هرچه هست نقش حیدر عمواغلی و یارانش را نمی‌توان در این ماجرا نادیده گرفت»^{۳۴}.

همان‌طور که در صفحات قبل اشاره شد، حاج اسماعیل امیرخیزی و احمد کسروی از برجسته‌ترین مورخانی هستند که به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک مهر تأیید زده‌اند. ولی با این همه موضع‌گیری آنها در این مورد کاملاً یکسان نیست. احمد کسروی به جز یک مورد، بیشتر بر حضور دسته و یا هواداران حیدرخان در جنگ پارک اتابک تأکید کرده، ولی امیرخیزی در صدر مورخانی قرار دارد که حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک را تأیید کرده است. حال با تجزیه و تحلیل مطالب امیرخیزی و کسروی موضوع را خاتمه می‌دهیم:

۱ - حاج اسماعیل امیرخیزی: حضور شخص حیدرخان و هواداران او را در جنگ پارک اتابک مورد تأیید و تأکید قرار داده و نوشته است: «جنگ تقریباً دو ساعت و نیم از ظهر گذشته آغاز شد. قوای دولتی اعم از سواره و پیاده و دسته یفرم‌خان بیش از دوهزار نفر بودند و برخی از مجاهدین نیز مانند حیدرخان عمواغلی و دسته او و مرحوم حسن علی‌زاده و جمع دیگری نیز با قوای دولتی همکاری می‌کردند»^{۳۵}. لازم به ذکر است که امیرخیزی به عنوان مشاور ستارخان همیشه در کنار وی بوده و در روز فاجعه پارک اتابک نیز در پارک اتابک حضور داشت ولی به نوشته خودش، وی مرد جنگی نبود: «از آنجا که نه بنده و نه آقای یکانی هیچ‌کدام جنگجو و جنگ‌آور نبودیم رفتیم به همان سردابی که همیشه در موقع گرما به آنجا پناه می‌بردیم. رفته‌رفته جنگ شدت پیدا می‌کرد و غرش توپ و تفنگ، بیدلان را دل به لرزه درمی‌آورد. برای آنکه مشغولیتی برای خود پیدا کنیم مرحوم صاحب اختیار

۳۳ - حیدر عمواغلی در گذر از طوفان‌ها - رئیس‌نیا - ص ۱۹۱.

۳۴ - حیدرخان عمواغلی - جلد اول - اسماعیل رائین - ص ۱۸۱، ۱۸۵ و ۱۸۶.

۳۵ - قیام آذربایجان و ستارخان - اسماعیل امیرخیزی - ص ۴۹۱.

یک جلد «شاهنامه» خطی به بنده داده بودند که در اوقات بیکاری مطالعه می‌کردم. بدان پناه بردم و به مطالعه آن پرداختم»^{۳۶}. پس از آنکه قوای دولتی غالب شده وارد پارک گردیدند دیگر رشته ارتباط بین سردار و سردابیان گسیخته شد چنانکه دیگر نه ایشان از ما خبر داشتند و نه ما از ایشان»^{۳۷} امیرخیزی در روز جنگ در سرداب پارک اتابک آنچنان محو در اشعار فردوسی شده بود که بنابه نوشته خودش حتی از تیر خورده ستارخان هم اطلاع نداشت: «بنده با آنکه در پارک بودم از تیر خوردن به پای سردار خبردار نشدم، همین که شنیدم سردار زخم‌دار شده بنده به منزل صمصام‌السلطنه رفتم دیدم سخت در زحمت است زیرا تیری که به پایش خورده بود، گلوله پا را شکسته بود»^{۳۸} به محض شنیدن این خبر جانگاه به اتفاق آقای یکانی به منزل صمصام‌السلطنه رفتم. سردار توی رختخواب بود. چون مرا دید فرمود کجا بودید و من از شما بی‌اندازه نگران بودم. گفتم ما نمی‌دانستیم که شما در منزل صمصام‌السلطنه تشریف دارید و چنین می‌گفتند که جنابعالی و آقای سالار سوار اسب شده از پارک بیرون رفتند، دیدم سخت متأثر و از زحمت زخم در پیچ و تاب است»^{۳۹}. در مورد زخمی شدن ستارخان سپهسالار تنکابنی در یادداشت‌هایش نوشته است: «ستارخان زخم گلوله برداشت اگرچه ناخوش هم بود، پس از اینکه او را در بسترش خوابیده دیدند یک نفر ارمنی با شش لول یراق به او گلوله زد، سالار ملی را کتک وافری زدند»^{۴۰}.

مطالب مرحوم امیرخیزی در مورد جنگ پارک اتابک و حضور حیدرخان عمواغلی در آن فاجعه و پناه بردن امیرخیزی در گرماگرم جنگ به سرداب پارک اتابک از چند جهت قابل تأمل است: نکته اول این که (اگر حیدرخان عمواغلی با استناد به نوشته محمود محمود در جنگ پارک اتابک شرکت نکرده بود و در آن روز در زندان بود) چرا امیرخیزی نام حیدرخان عمواغلی را در زمره همکاران قوای دولتی قلمداد کرده است. ابراهیم صفائی با اشاره به زندانی بودن حیدرخان عمواغلی در روز جنگ پارک اتابک و با تعجب از اینکه امیرخیزی، حیدرخان را از مهاجمین پارک معرفی کرده نوشته است: «امیرخیزی در ص ۵۴۶ قیام آذربایجان، حیدر عمواغلی را از حمله‌کنندگان به پارک معرفی کرده در حالیکه حیدر عمواغلی پس از حادثه قتل بهبهانی (۹ رجب) چند روز متواری و چهل روز زندانی بود»^{۴۱}.

نکته دوم اینکه بنابه نوشته خود امیرخیزی، در جنگ پارک اتابک در حالیکه گلوله از طرفین چون باران فرو می‌ریخت و کشت‌و‌کشتار مجاهدین محصور در پارک اتابک از طرف نیروهای مهاجم دولتی به نقطه اوج خود رسیده بود و دل بیدلان را به

۳۶ - همان مأخذ - صفحه ۴۹۱.

۳۷ - همان مأخذ - صفحه ۴۹۹.

۳۸ - خاطرات و اسناد - به کوشش سیف‌اله وحیدنیا - (به نقل از مقاله: اوضاع مشروطیت و امیرخیزی - به قلم امیرخیزی) - انتشارات وحید - چاپ اول ۱۳۶۷ - ص ۶۸.

۳۹ - قیام آذربایجان و ستارخان - صفحه ۴۹۷.

۴۰ - یادداشت‌های سپهسالار تنکابنی - گردآوری: امیر عبدالصمد خلعت‌بری - به اهتمام محمود تفضلی - ص ۱۴۲.

۴۱ - رهبران مشروطه - ابراهیم صفائی - صفحه ۴۰۹.

لرزه درمی آورد «حاج آقای امیرخیزی^{۴۲}» با خیال آسوده و با آرامش خاطر جهت وقت گذرانی، خود را با مطالعه شاهنامه فردوسی مشغول کرده بودند!

نتیجه‌ای که از یادداشت‌های امیرخیزی گرفته می‌شود این است که چون شخص امیرخیزی در جنگ شرکت نکرده و در گرماگرم جنگ به سرداب پارک اتابک پناه برده بود و مطالب را بعداً به نقل از مجاهدینی که در جنگ شرکت کرده بودند، بازگو کرده است این احتمال وجود دارد، مجاهدینی که اطرافیان و هواداران حیدرخان را می‌شناختند، از حضور دسته حیدرخان در جنگ پارک اتابک نتیجه گرفته‌اند که خود حیدرخان نیز که سردسته گروه است حتماً پشت سر آنها است، غافل از آنکه وی در آن روز در زندان بسر می‌برد. بنابراین بعید نیست که امیرخیزی یادداشت‌های جنگ پارک اتابک را با استناد به شهادت غیرواقعی مجاهدین و یا اشخاصی که دسته حیدرخان را با خود حیدرخان اشتباهی گرفته‌اند، به رشته تحریر درآورده و یا اینکه بعضی از مجاهدین و یا اشخاصی که با حیدرخان دشمنی داشتند جهت بدنام کردن او، نام وی را نیز در ردیف افرادی همچون یفرم‌خان ارمنی و سردار بهادر قرار داده و به امیرخیزی گزارش نادرست داده‌اند. زیرا «بعد از واقعه پارک اهالی تهران از بختیاری‌ها و آرامنه اظهار نفرت کردند. خصوصاً از سردار اسعد»^{۴۳}.

۲ - احمد کسروی: همانطوری که در صفحات قبل اشاره شد بعد از امیرخیزی احمد کسروی یکی از برجسته‌ترین مورخان است که حضور حیدرخان در جنگ پارک اتابک را تأیید کرده است. اما کسروی بیشتر به حضور دسته حیدرخان در جنگ پارک اتابک اشاره کرده و البته در یک مورد هم از حضور شخصی حیدرخان در جنگ پارک اتابک اظهار تأسف نموده است.

۴۲ - در مورد برخی از مطالب و موضع‌گیری‌های سؤال‌برانگیز و دوهپلوی مرحوم حاج اسماعیل امیرخیزی در رابطه با بعضی از رجال دست‌نشانده و فراماسور عصر مشروطیت و عاقبت نافرجام قیام ستارخان و شیخ محمد خیابانی حرف و حدیث فراوان است. در این رابطه جهت اطلاع به کتاب «تراژدی ستارخان» و خصوصاً به روایت استاد ناهیدی‌آذر از صفحه ۱۲۵ به بعد کتاب «مجموعه کلمات قصار و سخنان ستارخان» به قلم راقم این سطور مراجعه فرمایید.

علاوه بر موارد مزبور بنابه نوشته محمود دلقائی، امیرخیزی در زمان رضاشاه با سازمان فرهنگی (پرورش افکار) دوران پهلوی همکاری تنگاتنگ داشت: «آقای امیرخیزی عضو هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار، و در قسمت مدیران دبیرستان‌ها فعالیت می‌کرد. (فرهنگ‌ستیزی در دوره رضاشاه - سازمان اسناد ملی - صفحه ۳ و ۱۱).

محمد صدرهاشمی در مورد وظایف سازمان پرورش افکار نوشته است: وظیفه عمده این سازمان حس شاه‌پرستی و اطاعت از قوانین به وسایل مختلف در مردم بود. برای انجام این وظایف پرورش افکار به چند کمیسیون و یا شعب که عبارت بودند از کمیسیون مطبوعات، کمیسیون نمایش و موسیقی، کمیسیون سخنرانی تقسیم شده بود. (تاریخ جراند و مجلات ایران - جلد اول - محمد صدرهاشمی - صفحه ۳۲۶، ۳۲۷)

رضا بیگدلو در افساء ماهیت سازمان پرورش افکار نوشته است: «سازمان پرورش افکار سازمانی بود که در جهت ساختن پشتوانه ایدئولوژیک و مشروعیت برای رژیم رضاشاهی فعالیت می‌کرد و از جمله سازمان‌هایی بود که به تقلید از آلمان نازی و ایتالیای فاشیست به وجود آمد... از مهمترین اقدامات این سازمان ترویج باستان‌گرایی و آریاگرایی و توجیه اقدامات حکومت در این زمینه بود. تلاش برای یافتن پشتوانه ایدئولوژیکی و تملق و چاپلوسی نسبت به او (رضاشاه) در سخنرانی‌های این سازمان به جایی رسید که «ظرفا پرورش افکار را پرورش اطوار نامیدند.» (باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران - صفحه ۲۷۱). مؤلفین کتاب «محاکمه محاکمه‌گران» می‌نویسند: «پرورش افکار و نقش آن در اجتماع آن روز ایران بسیار روشن است و تمام استادان بنام، در این بنگاه سخنرانی می‌کردند در زمینه‌های مختلف... حقیقت این است رضاشاه به کسی سعادت می‌بخشید که ارادتی هم به خرج می‌داد. اما هیچ‌کس را برای عرض ارادت مجبور نمی‌کرد... حکومت دیکتاتوری ایران با ایجاد مؤسسه پرورش افکار در نظر داشت، یکی آنکه شاید بتواند به زور تبلیغ مردم را گمراه کند و دیگر آنکه نقشه مکانیزه ساختن (ماشینی ساختن) افراد ایرانی به دست این مؤسسه هم تقویت شده باشد... تمام آنهایی که در آن دوره از دستگاه غلام‌سازی متنعم می‌شدند و شریک آن بودند، اکنون باید در ضرر هم سهیم باشند» (محاکمه محاکمه‌گران - محمد گلبن - یوسف شریفی - از صفحات ۳۹۶، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۸۶). و نهایت اینکه جلال آل‌احمد در رابطه با سازمان پرورش افکار نوشته است: «اگر قرار باشد به حساب این کم‌خونی روشنفکران برسیم باید یک‌یک آن حضرات گردانندگان و سخنرانان «پرورش افکار» حساب‌ها پس بدهند. به هر صورت در آن دوره بیست ساله، از ادبیات گرفته تا معماری و از مدرسه گرفته تا دانشگاه همه مشغول زردشتی‌بازی و هخامنشی‌بازی‌اند» (در خدمت و خیانت روشنفکران - صفحه ۳۲۴).

۴۳ - خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی - چاپ اول ۱۳۶۳ - صفحه ۱۰۲. «بعد از وقایع پارک صولت‌الدوله از آبادیه به خیال آمدن تهران، در عشر وسط شعبان با امیر مخفم متحد شده به خیال تسخیر تهران افتاده بودند که سردار اسعد و صمصام‌السلطنه را از بین بردارد. مجازات قاتلین آقا سیدعبدالله مجتهد بهبهانی و اخراج آرامنه از امورات دولتی خصوصاً یپریم‌خان را به واسطه جسارتی که به مجاهدین و ستارخان نموده بود» (همان مأخذ - صفحه ۹۶).

احمد کسروی در ترورهای بعد از استقرار مشروطه حیدرخان و هواداران او را آلت دست تقی‌زاده قلمداد کرده و می‌نویسد: «حیدرخان عمواغلی که ما آن همه ستایش‌های بجا از کاردانی و دلیری او کرده‌ایم این زمان در تهران افزار دست تقی‌زاده گردیده به این کارهای ناشایست برمی‌خواست»^{۴۴}. وی در مورد علت مخالفت حیدرخان و سایر همفکران او را با ستارخان چنین نوشته است: «جای افسوس اینجاست که یفرم‌خان و حیدرخان عمواغلی و یارمحمدخان و دیگران از رازهای نهانی آگاه نبودند و در سایه نشناختن کسانی افزار دست آنان گردید و با ستارخان و باقرخان و دسته آنان دشمنی می‌نمودند»^{۴۵}.

احمد کسروی علت حضور مجاهدان حیدرعمواغلی را در جنگ پارک اتابک اختلاف و کینه حزب انقلابی دمکرات و حزب اعتدال می‌داند: «گذشته از فدائیان ارمنی و مجاهدان حیدر عمواغلی و دیگران که کینه انقلابی و اعتدالی و به نام خونخواهی علی‌محمدخان تربیت، داوطلبانه آماده بودند، با پولکُنیک رئیس قزاقخانه سکالشی کرده اندیشه خواسته بودند ولی فرماندهی به نام یفرم‌خان و سردار بهادر بود»^{۴۶}. کسروی تنها در یک مورد به حضور شخص حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک اشاره کرده و نوشته است: «چنان که گفته‌ام در پیشامد پارک اتابک او (یارمحمدخان کرمانشاهی) نیز همراه حیدر عمواغلی و یفرم‌خان و دیگران در دسته دولتیان می‌بودند»^{۴۷}. اما مسئله قابل تأمل دیگر این است که دکتر هوشنگ ابرامی به نقل از اسماعیل امیرخیزی نوشته است که احمد کسروی در موقع نوشتن تاریخ مشروطه سه شبانه‌روز مهمان امیرخیزی بوده و از یادداشت‌های امیرخیزی استفاده کرده است. هوشنگ ابرامی در مورد دیدار خود با امیرخیزی می‌نویسد: «در آن زمان امیرخیزی سرگرم نوشتن کتاب «قیام آذربایجان و ستارخان» بود. روزی نخستین بار به خانه‌اش رفتم و قصدم را گفتم، به اطلاق مجاور اشاره کرد و گفت: این اطاق را می‌بینید؟ کسروی وقتی تاریخ مشروطه را می‌نوشت در همین جا سه شبانه‌روز مهمان بود»^{۴۸}. ناگفته نماند که خود کسروی نیز به این موضوع معترف و نوشته است: «در پیشامد پارک اتابک ما گذشته از دیدن کتاب آبی و روزنامه شمس پرسش‌هایی نیز از آقایان یکانی و امیرخیزی کرده‌ایم»^{۴۹}.

از مطالب مزبور می‌توان نتیجه گرفت که احمد کسروی در نوشتن تاریخ مشروطه ایران و تاریخ هیجده ساله آذربایجان و به خصوص در موضوع مربوط به فاجعه پارک اتابک از یادداشت‌های امیرخیزی سود برده و مطالب کتاب‌های خود را دوباره بازبینی و یا تکمیل کرده است.

۴۴ - تاریخ هیجده ساله آذربایجان - احمد کسروی - صفحه ۱۳۱.

۴۵ - همان مأخذ - صفحه ۵۲۴.

۴۶ - همان مأخذ - صفحه ۱۳۹.

۴۷ - همان مأخذ - صفحه ۵۳۷.

۴۸ - ستارخان سردار ملی - دکتر هوشنگ ابرامی - صفحه ۶.

۴۹ - تاریخ هیجده ساله آذربایجان - صفحه ۱۳۷.

با توجه به نقد و بررسی‌هایی که در رابطه با مطالب امیرخیزی به عمل آمد و نتیجه نهایی این بود که به احتمال زیاد راویان و گزارشگران جنگ پارک اتابک شاید به جای دسته حیدرخان (عمدی یا غیرعمدی) نام حیدرخان عمواغلی را به امیرخیزی بازگو کرده‌اند، در آن صورت چون احمد کسروی هم (با استناد به نوشته دکتر هوشنگ ابرامی و اعتراف شخصی خودش) کتباً و شفاهاً از مطالب و سخنان امیرخیزی استفاده کرده و با اعتماد به او به حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک اشاره کرده است در آن صورت یادداشت‌های کسروی هم در رابطه با حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک همچون مطالب امیرخیزی، زیر سؤال می‌رود.

ناگفته نماند که ما همه این فرضیات و تحلیل و بررسی‌ها را در حالی مطرح می‌کنیم که اسناد مربوط به عدم حضور حیدرخان عمواغلی در جنگ پارک اتابک را که محمود محمود ارائه کرده است نادیده بگیریم. زیرا براساس یادداشت‌های محمود محمود و با استناد به منابع صفحات قبل، حیدرخان عمواغلی در روز جنگ پارک اتابک یعنی ۱۴ مرداد ۱۲۸۹ شمسی در زندان بسر می‌برد و حداقل یازده و حداکثر بیست و یک روز بعد از فاجعه پارک اتابک از زندان آزاد شده بود. دکتر فریدون آدمیت در رابطه با اتهام حیدرخان در ترور بهبهانی و اعتبار یادداشت‌های محمود محمود نوشته است: «نوشته صریح رئیس کمیته اجرایی فرقه دمکرات و از یاران یکدل حیدرخان، در این قضیه حجت است و مسأله تمام، پرحرفی هم لازم نیست»^{۵۰}.

با این همه در خاتمه از محققان تاریخ مشروطه تقاضا دارم در رابطه با عدم حضور حیدرخان عمواغلی در فاجعه شوم پارک اتابک، اگر به غیر از اسناد ارائه شده، سند قطعی دیگری در دست دارند و یا به اسناد طبقه‌بندی شده نظمیۀ تهران در زمان جنگ پارک اتابک دسترسی دارند با ارائه سند رسمی تاریخ توقیف و تاریخ آزادی حیدرخان عمواغلی از زندان نظمیۀ تهران این گره کور تاریخی را برای همیشه باز و ابهامات موجود را کاملاً برطرف نماییم، تا بدین‌وسیله از آن انقلابی صدیق و پرتلاش و یار هم‌رزم ستارخان در جنگ‌های آزادی‌بخش تبریز، اعاده حیثیت شود.

منابع:

۱ - فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت - دکتر فریدون آدمیت - انتشارات سخن ۱۳۴۰ - ضمیمه ۲ (یادداشت‌های محمود محمود).

۲ - مجله یادگار - مدیرمسئول: عباس اقبال - دی ۱۳۲۵ - شماره ۲۵ (سال سوم - شماره پنجم - صفحه ۷۷).

۳ - حیدرخان عمواغلی - جلد اول - اسماعیل رائین - صفحه ۱۷۲ - به نقل از: (مجله یادگار - سال پنجم - شماره اول و دوم - ص ۵۳، ۵۴).

۵۰ - فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران - فریدون آدمیت - ص ۱۴۸.

- ۴ - تحقیقی پیرامون عاملین فاجعه شوم پارک اتابک و تراژدی ستارخان - دکتر محمدحسن پدram.
- ۵ - تجار و دهقانان ایران در عصر مشروطه‌خواهی - عبدالحسین ناهیدی‌آذر.
- ۶ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران - کتاب ششم - دکتر مهدی ملک‌زاده.
- ۷ - حیدرخان عموآوغلی چکیده انقلاب - رحیم رضازاده ملک.
- ۸ - تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه) - جلد اول - ملک‌الشعرا بهار.
- ۹ - نام‌آوران آذربایجان در سده ۴ - تألیف: غلامرضا طباطبایی مجد.
- ۱۰ - تاریخ جرائد و مجلات ایران - جلد اول - محمد صدرهاشمی.
- ۱۱ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران - کتاب ششم - دکتر مهدی ملک‌زاده.
- ۱۲ - تاریخچه روزنامه‌های تبریز در صدر مشروطیت به انضمام روزنامه ناله ملت - عبدالحسین ناهیدی‌آذر.
- ۱۳ - بنیان و حامیان مرکز غیبی تبریز - دکتر محمدحسن پدram.
- ۱۴ - برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت - رحیم نامور.
- ۱۵ - حیدرخان عموآوغلی چکیده انقلاب - رحیم رضازاده ملک.
- ۱۶ - مشروطه‌سازان - تألیف: محمدعلی سفری.
- ۱۷ - حیات یحیی - جلد سوم - یحیی دولت‌آبادی.
- ۱۸ - گزارش ایران - مخبرالسلطنه هدایت.
- ۱۹ - روزنامه خاطرات عین‌السلطنه - قهرمان میرزاعین‌السلطنه (سالور) - جلد چهارم - به کوشش مسعود سالور - ایرج افشار.
- ۲۰ - وقایع اتفاقیه در روزگار تاریخ مشروطه - محمدمهدی شریف‌کاشانی - جلد دوم - به کوشش منصوره اتحادیه.
- ۲۱ - مجموعه مقاله‌ها - صمد بهرنگی - چاپ اول ۱۳۴۸.
- ۲۲ - دو قهرمان آزادی - دکتر سلام‌الله جاوید - چاپ اول ۱۳۴۲.
- ۲۳ - رهبران مشروطه - ابراهیم صفائی - چاپ سوم ۱۳۶۳.
- ۲۴ - دولت و جامعه در ایران (انقراض قاجاریه و استقرار پهلوی) - دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان - ترجمه حسن افشار.
- ۲۵ - روزشمار تاریخی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی - دکتر باقر عاقلی.
- ۲۶ - فتح تهران (گوشه‌هایی از تاریخ مشروطیت) - دکتر عبدالحسین نوائی.

- ۲۷ - تاریخ هیجده ساله آذربایجان - احمد کسروی - چاپ سوم - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۴۰.
- ۲۸ - دیده‌ها و شنیده‌ها، خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحال‌زاده، منشی سعادت امپراتوری آلمان در ایران - به کوشش: مرتضی کامران.
- ۲۹ - دو مبارز جنبش مشروطه - رحیم رئیس‌نیا - عبدالحسین ناهید - انتشارات ابن‌سینا تبریز - چاپخانه شفق - ۱۳۴۸.
- ۳۰ - رابطه فراماسونری با صهیونیسم و امپریالیسم - ح.م. زائوش - چاپ اول ۱۳۶۱ (بخش نخست).
- ۳۱ - حیدر عمواغلی در گذر از طوفان‌ها - رئیس‌نیا - چاپ اول ۱۳۶۰، انتشارات دنیا.
- ۳۲ - حیدرخان عمواغلی - جلد اول - اسماعیل رائین - انتشارات جاویدان - چاپ سوم.
- ۳۳ - قیام آذربایجان و ستارخان - اسماعیل امیرخیزی - انتشارات نگاه - ۱۳۷۹.
- ۳۴ - خاطرات و اسناد - به کوشش سیف‌اله وحیدنیا - انتشارات وحید - چاپ اول ۱۳۶۷.
- ۳۵ - یادداشت‌های سپهسالار تنکابنی - گردآوری: امیرعبدالصمد خلعت‌بری - به اهتمام محمود تفضیلی.
- ۳۸ - فرهنگ‌ستیزی در دوره رضاشاه - سازمان اسناد ملی - محمود دلفائی.
- ۳۹ - باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران - رضا بیگدلو.
- ۴۰ - محاکمه محاکمه‌گران - محمد گلبن - یوسف شریفی.
- ۴۱ - در خدمت و خیانت روشنفکران - جلال آل‌احمد.
- ۴۲ - تاریخ جرائد و مجلات ایران - جلد اول - محمد صدرهاشمی.
- ۴۳ - خاطرات سیدعلی‌محمد دولت‌آبادی - لیدر اعتدالیون - تهران ۱۳۶۲.
- ۴۴ - ستارخان سردار ملی - دکتر هوشنگ ابرامی.
- ۴۵ - فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران - دکتر فریدون آدمیت.

